

بررسی حکم مداوا و معالجه با محرّمات از دیدگاه فقهای مذاهب اهل سنتفرزاد پارسا،^۱ سهیلا رستمی،^۲ صابر پرویزی^۳**چکیده**

اسلام به سلامت و تندرستی جسم و روان اهمیت ویژه‌ای داده است و به همین مناسبت راهکارهای مناسبی را برای سلامت انسان‌ها ارائه نموده است. اموری که اسلام آنها را حرام نموده، در واقع برای پیشگیری از ابتلا به بیماری‌ها می‌باشد. با وجود بیماری نیز، اسلام مداوا نمودن و تشویق به انجام آن را مشروع نموده است. حتی برخی محرّمات که برای مداوا نمودن سودمند هستند، را نیز مباح می‌نماید. گاهی مداوا و معالجه با محرّمات و به وسیله نجاسات انجام می‌شود. مانند مشروبات، الکل، خوک و خون. اگر این نجاسات تغییر حالت دهند یا به اصطلاح فقها استحاله یابند، در این حالت استفاده از آنها جایز است؛ چون به ماده جدیدی تبدیل شده اند که دارای وصف نجاست نمی‌باشد. گاهی مداوا و معالجه با مواد پاک انجام می‌شود که استعمال آنها حرام است. مانند مواد مخدر، ابریشم، طلا و نقره برای مردها. مداوا کردن با این مواد، در صورت وجود ضرورت و عدم وجود داروی مباح و جایگزین، جایز است.

کلید واژه: محرّمات، بیماری، مداوا، ضرورت

^۱ . استادیار، دانشگاه کردستان

^۲ استادیار، دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول)

^۳ . کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان

کشف فلز ملی رویکرد با نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

مقدمه

دین اسلام برنامه‌ای کامل و جامع برای زندگی انسانها است و تمامی جوانب حیات فردی و اجتماعی را در نظر گرفته است و برای سعادت انسانها در دنیا و آخرت می‌کوشد و برای رسیدن آنان به مقصد والای هدف خلقت برایشان برنامه‌ریزی نموده است که در صراط مستقیم الهی گام نهند. یکی از مسائلی که اسلام به آن توجه نموده و جزو ضروریات خمس است حفظ نفس (جان) و عقل و روح انسان هاست، به همین خاطر جهت حفظ سلامت جسم و روح انسان دستوراتی صادر نموده است که در حالت صحت و سقم انسانها از آن بهره گیرند. خداوند متعال در آیه ۱۹۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ». همچنین در آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». توصیه و سفارش به حفظ جسم و روح نه تنها در آیات قرآن بلکه در حدیث پیامبر(ص) نیز وارد شده است، آنجا که پیامبر(ص) می‌فرماید: «فَإِنَّ لِحَدِيثِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ إِنَّ لِعَيْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ إِنَّ لِرُوحِكَ عَلَيْكَ حَقًّا» (بخاری، ۱۹۸۷، ۳۹/۳). رعایت حقوق و تکالیف مذکور در این حدیث منوط به توجه به جسم و سلامتی آن شده است. یکی از مواردی که می‌تواند سبب ضعف جسم و آسیب به آن شود بیماری است. بیماری جزء لاینفک زندگی انسان و سایر موجودات است و از بدو خلقت موجودات وجود داشته و دارد و خواهد بود. پیامبر(ص) در این باره می‌فرماید: «مَا أَنْزَلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱۲۲/۷). بیماری‌ها در اثر عوارض مختلف محیطی یا غیر محیطی ایجاد می‌شوند. برخی بیماری‌ها دوره کوتاهی دارند و برخی طولانی مدت هستند. شدت و ضعف تحمل بیماری‌ها نیز یکسان نیست. انسانها در طول تاریخ در پی یافتن راههای درمان و معالجه بیماریها بوده‌اند و طی آزمون‌ها و تحقیقات ضابطه‌مند، توانسته‌اند بیماریها را شناسایی و به درمان و یا تسکینشان بپردازند، اما با این وجود، هنوز به دنبال درمان برخی از بیماری‌ها همچون ایدز و غیره هستند. داروهایی که انسان از آنها بهره می‌گیرد، گاه طبیعی و گاه مصنوعی و ساخته دست محققان علوم مختلف است. فرایند ساخت برخی از آنها ساده و برخی دیگر بسیار پیچیده است. در شریعت اسلام، حلال و حرام تفکیک شده و اشیاء بر حسب این صفات توصیف شده‌اند و احکام شرعی به آنها تعلق می‌گیرد. گاهی اوقات، افراد برای درمان خود از موادی استفاده می‌کنند که وصف شرعی آنها حلال است و شرع نه تنها چنین امری را نکوهش نمی‌کند، بلکه به استفاده از آن برای درمان، تشویق می‌کند. در این باره پیامبر(ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَ الدَّوَاءَ، وَ جَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً. فَتَدَاوَوْا وَ لَا تَدَاوَوْا بِحَرَامٍ» (ابوداود: ۱۹۹۸، ۷/۴؛ بیهقی، ۱۰، ۹/۱۹۹۴)؛ اما گاهی مواد مورد استفاده برای درمان، در شرع حرام یا ممنوع اعلام شده است. و در زیر مجموعه محرمانی می‌گنجد که در شرع مقدس ذکر شده است. خداوند متعال در آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ». در آیه ۳ سوره مائده نیز نسبت به تناول گوشت حیوان مردار، خوردن خون و گوشت خوک هشدار می‌دهد و آن را حرام می‌نماید و می‌فرماید: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَ الدَّمُ وَ لَحْمُ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْخَنِقَةُ وَ الْمُوقُوذَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ».

آنچه در مقاله حاضر در پی بررسی آن هستیم بیان دیدگاه فقها درباره حکم درمانی محرمان ممنوع در شرع و نیز حکم آن در حالت عدم وجود داروی جایگزین حلال برای این مواد می‌باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل محتوا است. قبل از پرداختن به موضوع مقاله، نکاتی جهت تبیین بحث ذکر می‌گردد.

محرمان جمع محرم می‌باشد. و به معنی حرام یا چیزی است که شارع ترک آن را بر وجه حتمی و الزامی طلب کند. به عبارت دیگر محرم یعنی هر فعلی که فاعل آن از لحاظ شرعی ذم شود. حرام خود به دو دسته تقسیم می‌شود (زحیلی، بی تا، ۶۸/۱).

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نماینده شده در ISC

۱۳۹۶ آذر

۱- حرام لذاته: آن است که ذاتاً فاسد است مانند قتل، سرقت و گوشت خوک.

۲- حرام لغیره: آن است که در اصل مشروع می باشد اما به خاطر اقتران به امری دیگر که مقتضی تحریم است، حرام شده است. مانند نماز خواندن با لباس غضبی. محرمات از نظر دایره شمول از نجاسات بسیار وسیع تر است؛ بدین معنا که هر نجیسی حرام است اما هر حرامی نجس محسوب نمی شود.

مداوا در اصل از «دوی، یدوی» گرفته شده است. مثلاً می گویند: «دوی و ادوی فلاناً» که به معنی معالجه کردن و درمان نمودن است. دواء در لغت، یعنی آنچه به وسیله آن معالجه و درمان انجام می پذیرد که جمع آن ادویه می باشد. همچنین دواء، اسمی است که به قصد از بین بردن بیماری استعمال می شود. مداوا به معنی فن معالجه و برطرف کردن عیب و نقص است (مختار، ۲۰۰۸، ۷۹۲/۱-۷۹۳).

دلیل مشروعیت معالجه و مداوا نمودن:

معالجه و درمان بیماری های جسمی و روانی، در اصل امری مشروع است. تمامی فقهای مذاهب اهل سنت بر مشروعیت مداوا و معالجه اتفاق نظر دارند و به دلایل زیر استناد می نمایند:

۱- آیه ۱۹۵ سوره بقره که می فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ». وجه استدلال آیه این است که ترک مداوا باعث می شود که انسان با دست خود، خویشتن را در معرض هلاک قرار دهد که آیه از آن نهی می کند (قرطبی، ۱۹۸۵، ۳۶۱/۲؛ طبری، ۲۰۰۰، ۲۰۶/۲).

۲- پیامبر (ص) می فرماید: «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ» (ابن ماجه، ۱۹۹۴، ۶۴/۳). ترک مداوا باعث ضرر به انسان می شود و حدیث از آن نهی می کند.

۳- پیامبر (ص) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَيْثُ خَلَقَ الدَّاءَ، خَلَقَ الدَّوَاءَ، فَتَدَاوَوْا» (ابن حنبل، ۱۹۹۹، ۵۰/۲۰). این حدیث به وضوح وجوب مداوا کردن را بیان می کند، چرا که امر برای وجوب است.

۳- پیامبر (ص) می فرماید: «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ بَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (مسلم، بی تا، ۲۱/۷).

۴- پیامبر (ص) می فرماید: «تَدَاوَوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ دَوَاءً غَيْرَ دَاءٍ وَاحِدٍ» (ترمذی، ۱۹۶۶، ۴۵۱/۳، نسائی، ۱۹۹۱، ۷۹/۷). «خودتان را مداوا نمایید، چرا که خداوند عز و جل هیچ دردی را بدون درمان قرار نداده است جز یک درد: پیری و کهنسالی». نووی در شرح این حدیث می گوید: به دنبال مداوا رفتن و استعمال دارو مستحب بوده و این رأی و نظر فقهاء شافعیه است (نووی، ۱۹۹۷، ۵۰/۹).

انواع روشهای درمان و معالجه

مداوا کردن با اشکال و وسایل مختلف انجام می پذیرد. داروهای مورد استفاده برای مداوا، خوردنی، نوشیدنی، تزریقی، پوشیدنی، شنیداری و یا نوشتاری هستند، از این داروها برخی برای بهبود بیماری های درون جسم انسان و برخی دیگر نیز برای بهبود بیماری های ظاهر جسم به کار می روند. به طور کلی مداوا به دو صورت مشروع و نامشروع انجام می شود. منظور از محرمات در مقاله حاضر تمام چیزهایی است که شریعت اسلام آن را حرام نموده است؛ چه خوردنی باشد یا نوشیدنی، پوشیدنی باشد یا هر گونه استعمال دیگر.

دیدگاه فقها درباره مداوا و معالجه با محرمات

اصل در استعمال محرمات جهت مداوای بیماری ها در حالت ضرورت، آیه ۱۱۹ سوره انعام است که می فرماید: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ

کشف‌النفس علی رویکرد‌ها نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

هُوَ أَغْلَمُ بِالْمُتَعَدِّينَ». خداوند در این آیه، حالت ضرورت را از تحریم استثناء نموده، و آن را بدون هیچ قید و شرطی به صورت مطلق آورده است. پس اقتضای وجود اباحه، منوط به وجود حالت ضرورت است. چه این ضرورت برای استفاده از غذا باشد یا دارو و درمان. بنابراین اگر مریض، از به خطر افتادن سلامتی اش بترسد، و یا خطر از بین رفتن عضوی از اعضای بدنش باشد، و یا پزشک چنین خبری را به او بدهد، و یا مریضی به حدی شدت یابد که برایش قابل تحمل نباشد، و یا ترس سرایت بیماری از یک عضو به سایر اعضای بدنش باشد، و داروی مباحی برای درمان تمامی این حالات نیابد، در این صورت استعمال داروی حرام به شرط این که به مفید بودنش ظن غالب داشته باشد، جایز است. به طور کلی درباره مداوا کردن با محرّمات سه دیدگاه وجود دارد که به تفصیل بیان می شود:

۱- مالکیه، حنبله، شافعیه در یک قول، سرخسی از احناف و شوکانی معتقدند مداوای بیماری‌ها به وسیله محرّمات جایز نیست. آنها بیماری را به عنوان حالتی اضطراری که در آن موارد حرام و محظور مباح می شود، به حساب نمی آورند. معتقدان این قول می گویند محرّمات در شریعت اسلامی شرعاً نمی تواند به عنوان داروهایی به کار رود که بیماری و مرض با آن درمان شود (ابن عربی، ۲۰۰۳، ۵۹/۱، دسوقی، ۲۰۰۰، ۳۵۳/۴؛ ابن قیم، ۲۰۰۰، ۱۵۴/۴، نووی، ۱۹۹۷، ۴۲/۹، سرخسی، ۱۹۹۳، ۲۱/۲۴، ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۴۲۳/۹، مرداوی، بی تا، ۴۶۳/۲). ابن قیم درباره مداوا با شراب و گوشت خوک و سایر محرّمات می گوید: «استفاده از آنها جایز نیست» (ابن قیم، ۱۹۷۵، ۳۵۱/۱). نووی پس از آنکه خود به طور قطعی مداوا با مشروبات را حرام می داند؛ می گوید قول صحیح در مذهب شافعی این است که مداوا نمودن با مشروبات و مسکرات حرام است» (نووی، ۱۹۹۷، ۵۱/۹). این گروه به دلایل زیر استناد می نمایند:

۱- وائل حضرمی روایت می کند: «أَنَّ طَارِقَ بْنَ سُوَيْدِ الْجُعْفِيِّ سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) عَنِ الْخَمْرِ فَهَنَّا أَوْ كَرِهَ أَنْ يَصْنَعَهَا فَقَالَ إِنَّمَا أَصْنَعُهَا لِلدَّوَاءِ. فَقَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ بِدَوَاءٍ وَ لَكِنَّهُ دَاءٌ» (مسلم، بی تا، ۱۵۷۳/۳)، «طارق بن سويد الجعفي از پیامبر (ص) درباره شراب سوال می کند و ایشان او را نهی می کند. طارق می گوید من آن را به عنوان دارو تهیه می کنم، پیامبر (ص) فرمود که آن دارو نیست بلکه درد و بیماری است».

۲- ابوهریره روایت می کند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الدَّوَاءِ الْخَبِيثِ» (بخاری، ۱۹۸۷، ۵۵/۱).

۳- ابودرداء می گوید، پیامبر (ص) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَ الدَّوَاءَ وَ جَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوَوْا وَ لَا تَدَاوَوْا بِحَرَامٍ» (ابوداود، ۱۹۹۸، ۶/۴).

۴- از عبدالله بن مسعود نقل است که: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَكُمْ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱۱۰/۷). «خداوند شفاء و بهبودی شما را در آنچه که بر شما حرام نموده، قرار نداده است». و ظاهراً این گفته را از پیامبر (ص) دریافت کرده و گفته خود او نمی باشد.

همچنین عاصمی حنبلی و رحیبانی می گویند: «مداوا کردن به وسیله محرّمات مانند شیر الاغ، و گوشت های حرام و نیز نوشیدن مشروبات، حرام است». در میان علمای معاصر نیز ابن عثیمین می گوید: «مداوا کردن با محرّمات جایز نیست و دارو باید مباح باشد. همچنین، وسیله مداوا نمودن نیز باید مشروع باشد» (ابن عثیمین، ۱۴۱۳، ۲۳۷/۱).

۲- ظاهریه مداوا با محرّمات را به طور مطلق جایز می دانند و می گویند: اگر مریضی ناچار به استفاده از مشروبات برای مداوا باشد، استعمال آن جایز است. ابن حزم دلیل خود را این گونه بیان می کند: «کسی که بر نوشیدن مشروبات اصرار شود یا بخاطر رفع تشنگی و معالجه و یا برای دفع خفگی ناچار به استفاده از مشروبات شود و همچنین به دلیل جهل و عدم تشخیص آن به عنوان مشروبات از آن استفاده کند، در تمامی حالات مذکور، هیچ حدی بر این افراد جاری نمی شود» (ابن حزم، ۲۰۰۳،

کشف غزلی رویکردی نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

۳۳۶/۱. وی در ادامه احادیثی را که مخالفان به آن استناد نموده اند، ذکر می‌نماید برخی از آنها را ضعیف می‌داند و برخی دیگر را تأویل می‌کند. بدین معنی که محرّمات و از جمله آنها مشروبات در صورت ضرورت و نیاز جهت درمان بیماری‌ها مباح و حلال می‌شود و از جمله خبائث به شمار نمی‌آید و عنوان «دواء خبیث» بر آن حمل نمی‌شود. ابن حزم در تأویل خود به آیه ۱۱۱ سوره انعام که می‌فرماید: «وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَیْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُررْتُمْ اِلَیْهِ» و به حدیثی که در آن پیامبر (ص) برای افرادی از قبیله «عربینه» نوشیدن ادرار شتر را بخاطر مداوا برای آنان مباح کرده بود، استناد می‌کند (بیهقی، ۱۹۹۴، ۴/۱۰). همچنین، ابن حزم در ذیل حدیث «تَدَاوَوْا عِبَادَ اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ لَمَّ یُنزِلُ دَاءً اِلَّا اَنْزَلَ بِهٖ دَوَاءً اِلَّا الْهَرَمَ»، می‌گوید: «صیغه امر در این حدیث به معنی نهی از ترک آن است؛ وقتی فردی که برای مداوا کردن ناچار به مصرف محرّمات می‌شود، اگر این کار را انجام ندهد، در حقیقت مداوا کردن را ترک نموده که پیامبر (ص) از آن نهی می‌کند». خطابی و همچنین از میان علمای معاصر، وهبه زحیلی نیز مداوا نمودن به وسیله محرّمات را جایز می‌داند. وی در این باره می‌گوید: «مداوا کردن به وسیله نجاسات به شرطی که داروی پاکی که جایگزین آن باشد یافت نشود، جایز است» (زحیلی، بی تا، ۳۱۳/۱).

۳- گروه سوم به تفصیل قائلند و می‌توان گفت قائلان به این قول زمانی معالجه و مداوا با محرّمات را جایز می‌دانند که به حصول شفا از آن داروی حرام، یقین وجود داشته باشد. ایشان استدلال خود را این گونه بیان می‌دارند:

شافعیه می‌گویند معالجه و مداوا با نجاسات و سایر محرّمات به جز مشروبات جایز است و جمهور فقهاء شافعی چنین دیدگاهی دارند و این قول، مذهب شافعیه است (نووی، ۱۹۹۷، ۵۰/۹)؛ اما درباره مشروبات می‌گویند نوشیدن آن به خاطر فرو بردن لقمه غذایی که ممکن است باعث خفگی شود و مایع دیگری موجود نباشد؛ جایز است. نووی پس از ذکر حدیث عربینه که پیامبر (ص) استفاده از ادرار شتر را برای آنان جایز دانست، می‌گوید: «اصحاب مذهب شافعی می‌گویند مداوا و معالجه با نجاست زمانی جایز است که دارویی پاک که جایگزین آن باشد موجود نباشد و در صورت وجود داروی پاک و طاهر بدون شک مداوا کردن با نجاسات نیز حرام می‌شود. وی در ادامه می‌گوید: اصحاب ما می‌گویند که مداوا کردن با نجاست در صورتی جایز است که مداوا کننده با طبابت آشنا باشد و بداند که چیز دیگری جایگزین آن شیء نجس نیست که با آن مداوا کند، یا پزشک مسلمان و عادل و خبره چنین چیزی را برایش تجویز کند و قول یک پزشک در این زمینه کافست» (نووی، ۱۹۹۷، ۵۱/۹).

احناف در این باره اقوال مختلفی دارند؛ برخی آن را حرام می‌دانند و عده ای نیز باشرایطی خاص درمان به وسیله محرّمات را جایز می‌دانند از جمله اینکه به حصول شفا و بهبودی بیماری به وسیله استعمال آن حرام یقین حاصل شود. در کتاب «الدر المختار» آمده است بنا بر قول معتمد احناف مداوا کردن به وسیله مشروبات جایز نیست و مذهب مداوا و معالجه با حرام را جایز نمی‌داند؛ اما بنا بر یک قول دیگر در صورتی که بدانیم که در ماده حرام شفا وجود دارد و ماده مباح دیگری که جایگزین آن باشد یافت نشود، مداوا کردن به وسیله ماده حرام جایز است و مدار فتوا در مذهب حنفی بر این قول است» (حصفکی، ۱۳۸۶، ۲۲۶/۱ و ۲۳۲/۳).

کاسانی می‌گوید: «طلب شفا از حرام به شرطی که به حصول شفا از آن یقین داشته باشیم جایز است؛ مانند خوردن مردار به هنگام ضرورت هلاک شدن و نوشیدن مشروبات به هنگام تشنگی شدید و دفع لقمه، اما آنچه به حصول شفا از آن یقین نباشد استعمالش جایز نیست» (کاسانی، ۱۹۸۲، ۶۱/۱).

عینی حنفی در کتاب «عمده القاری شرح صحیح البخاری» می‌گوید: «طلب شفا از محرّمات به هنگام اطمینان و یقین از حصول شفا به وسیله استعمال آن حرام، جایز است مانند خوردن مردار در هنگام هلاک شدن جان انسان و نوشیدن مشروبات

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

در هنگام تشنگی شدید و دفع لقمه غذا» (عینی، ۲۰۰۶، ۱۹۲/۱۰). اگر فرض کنیم طبیبی بیماری کسی را با «علم قوی» تشخیص داده و بداند که آن بیماری جز با استعمال آن حرام بهبود نمی یابد در این صورت استفاده و استعمال آن حرام برایش مباح می شود. حدیثی که ام سلمه از پیامبر (ص) روایت می کند که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَ أُمَّتِي فِيهَا حَرَمٌ عَلَيْهَا» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱۱۰/۷)، بر حالت اختیار حمل می شود، اما در حالت اضطرار مانند خوردن مردار برای فرد مضطر حرام نمی شود. اما آنچه در صحیح مسلم درباره مشروب آمده که پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَوَاءٍ وَ إِنَّهَا دَاءٌ» (ترمذی، ۱۹۶۶، ۴۵۶/۳). پیامبر (ص) چنین بیانی را در پاسخ فردی ایراد نمود که از ایشان درباره مداوا کردن به وسیله مشروبات پرسید، عده ای در پاسخ گفته اند که این مساله خاص «خمر» است و شامل دیگر مسکرات نمی شود. عینی خود می گوید: این گفته قابل تامل است؛ چون ادعای خصوصیت بدون دلیل قابل قبول نیست و جواب قاطع این است که این مساله بر حالت اختیار حمل می شود نه اضطرار» (عینی، ۲۰۰۶، ۹۵/۵).

مالکیه معتقدند مداوا به وسیله مشروبات و نجاسات، حرام است. اما علمای مالکی درباره داروهایی که در ترکیب آنها شراب به کار رفته است تردید دارند. قاضی ابوبکر می گوید که چنین داروهایی نیز حرام هستند (قرافی، ۱۹۹۴، ۲۰۲/۲؛ زعینی مالکی، ۱۹۹۲، ۱۲۰/۱). ابن حاج مالکی می گوید: مداوا کردن به وسیله نجاسات حرام است. حصول شفا هنگام استعمال داروهایی که استعمال آنها جایز است، ظنی است؛ پس، چگونه می توان از چیزهای حرامی به عنوان دارو استفاده نمود که پیامبر (ص) وجود شفا در آنها را انکار نموده است؟ (ابن حاج، ۲۰۰۷، ۱۳۲/۴)؛ اما مداوا کردن به وسیله چیزهایی غیر از نجاسات در مذهب مالکی جایز است. غرناطی می گوید: « خوردن گوشت مار جهت ضرورت مداوا ایرادی ندارد» (غرناطی، ۱۹۹۴، ۳۴۸/۴). پس از بررسی دیدگاه های مذکور درباره معالجه و مداوا با محرّمات بر اساس آنچه دکتر زیدان از فقهای معاصر نیز به آن تصریح نموده و آن را **ترجیح** داده است می توان گفت اگر پزشک مورد اطمینان، ضرورت استفاده از دارویی را که حرام است برای مریض تجویز نماید و داروی مباح جایگزین آن یافت نشود، در این حالت استعمال آن داروی حرام جایز است و حتی اگر پزشک مسلمان هم نباشد، اما ظن غالب بر صدق سخن او باشد سخن وی پذیرفته می شود و می توان داروی حرام را استفاده نمود و این امر جایز است» (زیدان، ۱۹۹۳، ۱۰۰/۳).

در ادامه مطلب به بررسی حکم دو مورد از مواردی که از جمله محرّمات است و گاهاً به عنوان دارو تجویز می شود، اشاره می نمایم.

۱- مداوا و معالجه با مشروبات و خمر

خمر آن است که عقل را بپوشاند و بر آن غالب شود و از این جهت است که به پوشش زنان نیز خمار گفته می شود (مختار، ۲۰۰۸، ۶۹۵/۱). خمر در حقیقت اسمی است برای هر مسکری که عقل را زایل نماید. به هر شراب مست کننده ای، خمر گفته می شود؛ خواه از انگور باشد یا خرما و یا از غیر آن دو (مختار، ۲۰۰۸، ۲۱۵۷/۳). بنابراین بر اساس تعریف مذکور تمام مشروبات امروزی با انواع مختلف آن تحت حکم و عنوان «خمر» قرار می گیرند. پیامبر (ص) می فرماید: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ» (مسلم، بی تا، ۱۵۸۷/۳).

دیدگاه فقها درباره مداوا و معالجه با مشروبات

فقها در این زمینه با هم اختلاف نظر دارند که در ادامه به تفصیل خواهد آمد:

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

۱- برخی از حنفیه، شافعیه (در رأی مرجوح)، مالکیه و ظاهریه مداوای بیماری ها به وسیله استعمال مشروباتی که با دارویی دیگر مخلوط و ممزوج شده باشد طبق شرایط زیر جایز می دانند (نوی، ۱۹۹۷، ۵۱/۹، خطیب شربینی، ۱۹۹۴، ۸۸ ۱/۴، ابن عربی، ۲۰۰۳، ۵۶/۱، قرطبی، ۱۹۸۵، ۲۳۱/۲).

الف- تایید پزشک ماهر، متدین و امین. ب- عدم وجود داروی مشابه و جایگزین. ج- شفا یافتن از مصرف آن امری یقینی باشد. د- مقدار مصرفی آن از میزانی که پزشک تجویز نموده فراتر نرود. ه- بیمار هنگام مصرف آن، قصد لذت نکند. ی- میزان مصرف کم باشد، به طوری که فرد دچار مستی نشود.

این گروه به دلایل زیر استناد می نمایند:

الف) آیه ۱۱۹ سوره انعام که می فرماید: «وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ». این آیه دلیلی است بر اینکه خداوند متعال تمام محرمات را برای ما بیان نموده است و با وجود استثنا در این آیه به ما اجازه داده است تا از محرمات در حالت اضطرار استفاده نماییم و امراض و بیماری ها، حالات اضطراری و ناچاری هستند. در جواب می توان گفت: این استدلال ضعیفی است زیرا پیامبر(ص) درباره مداوا کردن به وسیله مصرف مشروبات می فرماید: «إِنَّهَا الدَّاءُ»، یعنی مشروبات خود درد و بیماری هستند نه وسیله درمان و بهبودی.

۲- حدیث «عربین» که پیامبر(ص) نوشیدن ادرار شتران را جهت مداوا برای آنان جایز دانست و پیروان این دیدگاه مصرف مشروبات جهت مداوا را با نوشیدن ادرار شتر قیاس می کنند که البته قیاس باطلی است؛ زیرا پیامبر(ص) در حدیثی که در بالا به آن اشاره کردیم صراحتاً مشروبات را به عنوان درد و بیماری معرفی نمود نه به عنوان وسیله شفا و درمان.

۳- مداوا خود حالتی اضطراری است و همانطور که نوشیدن مشروبات جهت فرو بردن لقمه غذایی که در گلو گیر کرده و ممکن است باعث خفگی شود جایز است، پس استفاده از آن جهت مداوای بیماری که خود حالتی اضطراری است، جایز است. در جواب باید گفت این قیاس ضعیف است چراکه فردی که برای دفع لقمه غذا از مشروب استفاده می کند اولاً: به حصول شفا از آن یقین دارد ثانیاً: مایع مباح دیگری در دسترس ندارد تا از آن استفاده نماید. اما استعمال مشروبات در درمان و حصول شفا از آن یقینی نیست و نیز با وجود پیشرفت های فراوان علم پزشکی در عصر حاضر و وجود داروهای فراوان، نمی توان با وجود نهی صریح شرع درباره استعمال مشروبات، آن را امری شفافبخش دانست.

۲- جمهور فقهای حنفیه، مالکیه، حنابله و شافعیه (در رأی راجح) مصرف مشروبات در مداوای بیماری ها را حرام می دانند (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۴۵۰/۶، دسوقی، ۲۰۰۰، ۱۱۲/۴، ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۳۲۳/۱۰، شربینی، ۱۹۹۴، ۱۸۸/۴، نوی، ۱۹۹۷، ۵۱/۹، نوی، ۱۹۹۱، ۲۸۵/۳)، و به دلایل زیر استناد می نمایند:

۱- آیه ۹۰ سوره مائده که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». در این آیه خداوند متعال صراحتاً به اجتناب و دوری از مشروبات امر می کند و این نهی و اجتناب شامل هرگونه انتفاعی است خواه نوشیدن باشد یا بیع و مداوا کردن با آن.

۲- پیامبر(ص) در جواب طارق بن سوید جعفری که درباره مداوا کردن با خمر از ایشان پرسیده بود، فرمود: «أَنْهَا لَيْسَتْ بِدَاءٍ وَ لَكِنَّهَا دَاءٌ»، «همانا که مشروبات دارو نیست، بلکه خود درد و بیماری است». این حدیث بر تحریم مداوا به وسیله مشروبات دلالت دارد و پیامبر(ص) آن را به عنوان درد معرفی می نماید نه وسیله ای که به عنوان درمان و برطرف کننده بیماری باشد، و این خبر پیامبر(ص) حاکی از این است که هیچ گونه خاصیت درمانی در مشروبات وجود ندارد.

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۳۹۶ آذر

۳- پیامبر(ص) در جایی دیگر از مداوا نمودن به وسیله حرام نهی فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الدَّاءَ وَ الدَّوَاءَ وَ جَعَلَ لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءً فَتَدَاوَوْا وَ لَا تَدَاوَوْا بِحَرَامٍ». «همانا خداوند درد و درمان را نازل نمود و برای هر دردی، درمانی را قرار داد، پس خودتان را مداوا نمایید و به وسیله حرام مداوا نکنید». در این زمینه دسوقی می‌گوید: «مداوا کردن به وسیله مشروبات جایز نیست؛ هر چند که به عنوان داروی معین شناخته شده هم باشد» (دسوقی، ۲۰۰۰، ۱۱۲/۴). برای هر مسلمانی کاملاً واضح است که مشروبات حرام است و این حدیث بر حرام بودن معالجه و درمان بیماری به وسیله چیزهای حرام دلالت دارد که مشروبات از جمله آنهاست. بنابراین مداوا نمودن با مشروبات جایز نیست.

۴- از ابوهریره روایت شده است که پیامبر(ص) از «داروی خبیث» نهی فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الدَّوَاءِ الْخَبِيثِ» ابوداود، ۱۹۹۸، ۶/۴، ابن ماجه، ۱۹۹۴، ۴۲۵/۳. حاکم نیشابوری می‌گوید که منظور از داروی خبیث در این حدیث، همان مشروبات است (حاکم، ۱۹۹۰، ۴۹۲/۷).

با توجه به قوت دلایل مخالفان و نیز با توجه به اینکه در عصر حاضر داروهای مباح به وفور یافت می‌شود و ما را از مداوا نمودن به وسیله مشروبات بی‌نیاز می‌سازد، رأی راجح همان رأی جمهور فقهاست که مداوا نمودن با مشروبات را حرام می‌دانند.

۲- مداوا و معالجه با خوک

جمهور فقها بر این باورند که تمام اجزای بدن خوک، حرام است و در هیچ حالتی انتفاع و بهره گرفتن از اجزای بدن خوک جایز نیست. همچنین معتقدند تمام اجزای بدن خوک نجس است، جز موی آن که مالکیه موی خوک را پاک می‌دانند. ظاهریه نیز معتقدند پوست خوک بعد از دباغی پاک می‌شود (کاسانی، ۱۹۸۲، ۲۵۰/۱ و ابن حزم، ۲۰۰۳، ۲۱۰/۱). البته خوک فوایدی نیز دارد: از بدن خوک برای درمان بیماران دیابتی، انسولین ساخته می‌شود. از پوست و استخوان و غضروف خوک، ژلاتین تهیه می‌شود که در تولید کپسولها و داروها از آن استفاده می‌شود. در تهیه خمیردندان، کرم‌ها، پمادها و شیاف‌های مهبلی از آن ژلاتین تهیه شده از بدن خوک استفاده می‌شود (مجله مجمع الفقه الاسلامی ۳/۳۶۱).

قبل از بیان حکم استعمال خوک و اجزای آن در مداوای بیماری‌ها، لازم است به یک امر مهم اشاره کنیم و آن اینکه خوک و اجزای آن که در صنعت دارو از آن استفاده می‌شود، از دو حال خارج نیست: یا تحت عنوان مداوا و معالجه با حرام و نجس قرار می‌گیرد و یا اینکه استفاده از خوک به صورت حالت اولیه و طبیعی آن نیست، بلکه تغییر حالت پیدا می‌کند و یا به قول فقها «استحاله» پیدا می‌کند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

استحاله و حکم آن

استحاله در لغت، یعنی تغییر حالت یک شیء از طبیعت و اوصاف خود به چیزی دیگر (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۹۷/۱۴ و فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ۳۶۳). و در اصطلاح فقها عبارت است از:

ابن عابدین می‌گوید: «استحاله یعنی تغییر پیدا کردن عین نجس و دگرگونی آن به حقیقتی دیگر مانند تبدیل خمر به سرکه و تغییر و دگرگونی خوک به گوشت و تغییر یافتن سرگین به خاکستر» (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۲۱۰/۱). ابن حزم نیز می‌گوید: «استحاله تغییر صفات عین نجس است به طوری که آن اسم دیگر از آن زایل شود» (ابن حزم، ۲۰۰۳، ۱۶۶/۱).

در نتیجه با توجه به اقوال فقهاء در این زمینه اگر نجاسات، خبائث و سایر محرّمات از قبیل الکل، اگر با داروهای مباح آمیخته شوند و یا با آن داروها پخته شوند، به‌گونه‌ای که این محرّمات در آن داروها ذوب شده و استهلاک پیدا کند و آثار و طعم آن از بین رود؛ در این صورت این داروهای آمیخته با حرام جزء داروها و مواد مباح به حساب آمده و استعمال آنها جایز است.

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۳۹۶ آذر

اما اگر این محرّمات که با داروی حرام آمیخته شده‌اند، استهلاک پیدا نکنند و اثر آنها به تدریج از بین نرود، چه به علت زیاد بودن مقدار این محرّمات در دارو یا تاثیر قوی آنها و ضعیف بودن اثر داروی مباح باشد و یا اینکه آثار طعم و بوی این مواد حرام به کار رفته در دارو، باقی بماند در این حالت داروی مخلوط، جزء داروهای حرام محسوب شده و شروطی که قبلاً درباره استعمال داروهای حرام در حالت ضرورت و نبودن داروی جایگزین بیان کردیم بر آن جاری می شود. بدین صورت که اگر داروی آمیخته با مواد حرام، اگر برای مداوا ضروری باشد و داروی مباحی که جایگزین آن باشد یافت نشود، استعمال آن جایز است.

دیدگاه فقها درباره استحاله

فقها درباره پاک شدن و طهارت مواد نجس یا حرام، به وسیله استحاله، دو دیدگاه مختلف دارند:

۱- شافعیه و ابویوسف از حنفیه، قول ظاهر در مذهب حنابله و یکی از دو قول نزد مالکیه بر آن است که نجس العین به وسیله استحاله پاک و طاهر نمی شود؛ به عبارت دیگر، استحاله نجس و از بین بردن آثار آن، باعث تبدیل عین نجس به ماده‌ای پاک نمی شود؛ همان طور که استحاله یک شیء حرام آن را حلال نمی گرداند (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۲۱۰/۱، ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۳۹/۱، ابن همام، ۱۹۹۸، ۱۷۶/۱، ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۷۲/۱، ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ۵۱۷/۲۱). این گروه به دلایل زیر استناد می نمایند:

۱- «أَنَّ أَبَا طَلْحَةَ سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) عَنْ أُيْتَامٍ وَرَثُوا خَمْرًا قَالَ «أَهْرِقُهَا». قَالَ أَفَلَا أُجْعَلُهَا خَلًّا قَالَ «لَا» (ابوداود، ۱۹۹۸، ۳۶۶/۳). «ابوطلحه درباره یتیمانی که به آنها، مشروب به ارث رسیده است، از پیامبر (ص) پرسید. ایشان در جواب فرمود: «آن را دور بریزید». ابوطلحه (رض) گفت: آیا آن را به سرکه تبدیل نمایم؟ پیامبر (ص) فرمود: «خیر».

۲- «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ أَكْلِ الْجَلَالِهِ وَالْبَائِنِهَا» (ترمذی، ۱۹۶۶، ۲۷۰/۴). «پیامبر (ص) از خوردن گوشت و شیر حیوانات نجس خوار نهی فرمود».

این احادیث بر عدم پاک شدن مشروبات به وسیله استحاله و تغییر حالت آن به سرکه که ماده ای دیگر غیر از مشروب می باشد، دلالت دارد. همچنین امر پیامبر (ص) مبنی بر دور ریختن مشروب، بر عدم طهارت آن به وسیله استحاله دلالت دارد.

۳- با استدلال به وسیله قیاس می گویند که نجاست عین نجس، به وسیله استحاله حاصل نشده است تا به وسیله آن پاک شود (ابن همام، ۱۹۹۸، ۱۷۷/۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۹۸/۲).

۴- حکم نجاست در اشیاء نجس، مربوط به عین آنهاست نه اوصافشان مانند ادرار و مدفوع، سرگین حیوانات، سگ و خوک. اگر به هر وسیله ای اعم از سوزاندن، تبدیل به سرکه نمودن، تغییر ماهیت و غیر آن، عمل استحاله در این اشیاء نجس صورت گیرد، تا زمانی که عین نجس باقی باشد، حکم نجاست آنها تغییر نمی کند؛ چون این حکم مربوط به عین این اشیاء است و با تغییر وصف، حکم تغییر نمی کند و حکم نجاست همراه آن عین باقی می ماند (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۲۱۰/۱؛ شربینی، ۱۹۹۴، ۸۱/۱).

۲- ابوحنیفه، محمد بن حسن شیبانی و نیز بیشتر احناف، جمهور مالکیه، ظاهریه، برخی از حنابله از جمله ابن تیمیه و نیز شوکانی در میان علمای متأخر، بر این باورند که نجس العین به وسیله استحاله، پاک می شود و دیگر وصف نجاست بر آن باقی نمی ماند (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۲۱۰/۱، ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۳۹/۱؛ ابن حزم، ۲۰۰۳، ۱۶۶/۱، ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۷۲/۱، ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ۵۱۷/۲۱؛ شوکانی، ۱۴۰۵، ۵۲/۱). و به دلایل زیر استناد می نمایند:

کشف فلز ملی رویکرد با نویس علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۳۹۶ آذر

۱- آیه ۶۶ سوره نحل که می فرماید: «وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لَتُنْتَفِكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِمْ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ».

قائلان به این دیدگاه با استناد به این آیه بیان می کنند که خون موجود در بدن حیوانات با وجود اینکه نجس و حرام است، اما به وسیله استحاله ای که می یابد و به شیر خالص تبدیل می شود، به ماده ای پاک و حلال تغییر حالت می یابد (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ۱/۳۷۷).

۲- عائشه می گوید: «كُنْتُ أَطِيبُ النَّبِيَّ (ص) لِحُرْمِهِ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ وَ يَوْمَ النَّحْرِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ بِطِيبٍ فِيهِ مِسْكٌ» (مسلم، بی تا، ۱۲/۴). «من پیامبر (ص) را پیش از اینکه احرام ببندد و در روز قربان پیش از اینکه طواف نماید با عطر مشک خوشبو می کردم». و همچنین، پیامبر (ص) در جواب زنی که از ایشان درباره کیفیت غسل نمودن پرسید، فرمود: «خُدْيَ فِرْصَةً مِنْ مِسْكِ فَتَطَهَّرِي بِهَا» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱/۱۱۹). می دانیم که مشک از خون منعقد شده در بدن آهو ایجاد می شود که در ابتدا نجس بوده و پس از استحاله و تغییر حالت به ماده ای دیگر، پاک شده و وصف نجاست از آن زایل شده است.

ابن تیمیه می گوید: «خبائثی که خداوند آنها را تحریم نموده است، مانند مردار، خون و گوشت خوک، اگر در آب یا مایع دیگری بیافتد و مستهلک شود، بدین معنا که اجزایش جدا شود و در مایع ناپدید شود و به تدریج از بین برود، در این صورت مردار، خون و گوشت خوکی باقی نمی ماند. مشروب نیز اگر در مایعی مستهلک شود یعنی عین آن از بین رود و اثرش به تدریج ناپدید شود و فردی از این مایع بنوشد در این حالت آن فرد شارب خمر به حساب نمی آید» (ابن تیمیه، ۱۹۸۷، ۱/۲۰۱).

۳- با قیاس تغییر حالت خمر به سرکه، می توان گفت که اگر عین نجس به ماده ای دیگر تبدیل شود، پاک طاهر می شود و نیز مانند نطفه که در ابتدا نجس است و سپس بعد از مدتی به تکه گوشتی تبدیل شده و پاک می شود (ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۱/۲۳۹).

۴- حکم شرعی بر عین نجس جاری می شود اما زمانی که صفات و ویژگی های آن عین نجس یا حرام، تغییر پیدا کند، در واقع نهی شارع نیز بر این شیء جدید جاری نمی شود؛ چون این شیء جدید به ماده ای پاک و حلال تغییر حالت یافته و صفات آن عین نجس را از دست داده است. عکس این مساله نیز صادق است؛ یعنی اگر صفات یک عین پاک به ماده ای حرام تغییر حالت یابد، در این صورت ماده جدید، نجس و حرام می شود. مانند تغییر حالت انگور به شراب و تغییر حالت نوشیدنیهای حلال به ادرار (ابن حزم، ۲۰۰۳، ۱/۱۴۳).

کاسانی درباره تغییر و استحاله نجاست می گوید: «اگر نجاست، استحاله و تغییر حالت پیدا کند، در این حالت نجس به شمار نمی آید و نیز می گوید: «زمانی که نجاست تغییر حالت پیدا کند و اوصاف و ویژگی هایش تحول پیدا کند؛ از حالت نجاست خارج می شود، چون نجاست عنوانی است برای ذات موصوف خود و با از بین رفتن وصف، نجاست نیز از بین می رود. نمونه بارز در این زمینه خمر است که اگر به سرکه تبدیل شود، نجاست آن نیز از بین می رود» (کاسانی، ۱۹۸۲، ۱/۸۵). ابن حزم ظاهری نیز می گوید: «زمانی که صفات عین نجس یا حرام تغییر حالت پیدا کند، در این حالت اسمی که حکم به خاطر آن وارد شده بود، باطل می شود و به اسم دیگری که بر حلال و پاک بودن دلالت دارد انتقال می یابد و دیگر آن نجس و آن حرام نمی باشد بلکه به چیز دیگری تبدیل شده است» (ابن حزم، ۲۰۰۳، ۱/۱۱۲). نووی نیز در کتاب «المجموع» می گوید: «اگر قسمتی از گوشت بدن انسان در غذایی پخته شده بیافتد، و اثرش از بین برود، در این حالت غذای پخته شده حرام نی شود بلکه گوشت انسان که در غذا پخته شده مستهلک به حساب می آید مانند مساله ادرار که اگر در آب قلتین واقع شود، بخاطر عدم تغییر حالت های آب، استعمال آن آب جایز و مباح می باشد» (نووی، ۱۹۹۷، ۹/۶۲).

بنابراین با دقت در اقوال علما روشن می‌شود که اگر داروی آمیخته با ماده حرام، داروی جایگزین و مباحی نداشته باشد، استعمال آن جایز است؛ زیرا زمانی که استعمال مواد حرام و غیر مخلوط با مواد مباح را بخاطر ضرورت، جایز بدانیم، پس به طریق اولی داروی مباحی که با مواد حرام مخلوط شده است نیز جهت مداوا کردن جایز خواهد بود. اما زمانی که داروی جایگزینی به جای داروی مخلوط شده با ماده حرام یافت شود، اما دست یافتن به این داروی جایگزین مباح، به خاطر کمیاب بودن یا قیمت بالای آن یا تاثیر ضعیف درمانی آن در مقایسه با داروی مخلوط با ماده حرام، مقدور نباشد، استعمال آن داروی حرام جایز است. اگر ماده حرام مخلوط در دارو در آن دارو ذوب شده باشد و کاملاً مستهلک و نابود شده باشد؛ و به صورت مستقل اثرش باقی نمانده باشد و طعم و بوی آن از بین رفته باشد؛ در این حالت استعمال چنین دارویی جایز است؛ زیرا این دارو به سبب استحاله و از بین رفتن ماده حرام در آن دیگر حرام محسوب نمی‌شود و اقوال فقهاء بر مباح بودن چنین دارویی دلالت دارد. پس از بررسی آراء فقهاء و استدلال هر دو گروه، به نظر م رسد که دلایل موافقین پاک شدن اشیاء نجس به وسیله استحاله، قوی و قابل قبول است. با توجه به نیازهای عصر حاضر و با عنایت به اینکه در اشیاء نجس، استحاله کامل صورت می‌گیرد این رأی راجح می‌باشد.

حکم مداوا به وسیله خوک

پس از ترجیح دیدگاه قائلین به پاک شدن عین نجس به وسیله استحاله، و با توجه به عدم استحاله اجزای بدن خوک، به این نتیجه می‌رسیم که از آنجا که در اجزای بدن خوک استحاله صورت نمی‌گیرد و بر نجاست خود باقی می‌ماند، بنابراین، مداوا کردن با آن حرام است. اما اگر داروهایی که از بدن خوک تولید می‌شوند، به استفاده از آنها جهت مداوا ناچار باشیم، و داروی جایگزین مباحی یافت نشود و نیز پزشک متبخر و مورد اعتماد استفاده آن را برای مداوا مفید و ضروری بداند، در این صورت استفاده از چنین داروهایی جایز است.

معالجه و مداوا با مواد پاک و حرام

آنچه در صفحات قبل به آن پرداخته شد درباره حکم مداوا و معالجه با اموری بود که همگی جزء نجاسات به شمار می‌آیند اما گاهی مداوا با چیزهایی صورت می‌گیرد که پاک هستند اما استعمال آنها در حالت اختیار حرام است مانند مواد مخدر یا ابریشم، طلا و نقره برای مردها. در شریعت اسلامی امری بدیهی است که همیشه حرام بودن یک شیء به منزله نجاست آن نمی‌باشد. به عبارت دیگر هر نجسی حرام است اما هر حرامی نجس نیست. در ادامه به بیان حکم این موارد به صورت مختصر خواهیم پرداخت.

مداوا و معالجه با مواد مخدر

قبل از بیان حکم فقهی استعمال مواد مخدر در معالجه و مداوای بیماری‌ها، لازم است تعریفی از مواد مخدر و انواع آن بیان نماییم. مخدر از واژه تخدیر گرفته شده و به معنی سستی و بی‌حالی است. اما در اصطلاح مخدر ماده‌ای است که به انسان سستی و نشاط می‌دهد و اگر زیاد مصرف شود بر قوه درک و عقل انسان تاثیر می‌گذارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۳۰/۴).

غالباً در انجام عمل جراحی از ماده «بنگ» که مخدر و بیهوش کننده است، استفاده می‌شود و چون این مساله از ضرورت‌های معالجه و عمل جراحی می‌باشد، پس استفاده از آن در مداوا و عمل جراحی، جایز است. اما اگر مداوا و معالجه یک بیماری با مصرف داروهای مباح حاصل شود در این صورت انجام عمل جراحی به عنوان راه حل دیگر برای بهبودی سلامت مریض، به خاطر استفاده از این مواد مخدر جایز نیست.

به طور کلی استعمال مخدرات در پزشکی دو حالت دارد:

۱- استعمال مخدرات در عمل جراحی: این امر بخاطر ضرورت جایز است. چه این گونه استعمال، باعث بیهوشی کامل مریض شود یا فقط موضع درد را بی حس نماید.

۲- استعمال مخدرات همراه با داروهای درمانی به نسبت معین: اگر در داروهایی که جهت تسکین درد و درمان بیماری ها از آنها استفاده می شود مقداری مواد مخدر به کار رفته باشد و این میزان کم باشد و بر اثر استفاده از آن، ضرری متوجه بیمار نشود، استفاده از این داروها جایز است. همچنین شرط است که استعمال این داروها باعث مستی بیمار نشود و برای او سودمند باشد و داروی مباحی که چنین خاصیتی داشته باشد و مواد مخدر در آن به کار نرفته باشد، یافت نشود و نیز پزشک استعمال چنین دارویی را لازم بداند.

طهارت یا نجاست مواد مخدر

فقها بر تحریم مصرف مواد مخدر در حالت اختیار با هم توافق دارند (ابن حجر هیتمی، ۲۰۰۰، ۲۲۳/۴، ابن همام، ۱۹۹۸، ۱۸۴/۴، شربینی، ۱۹۹۴، ۱۸۷/۴، نووی، ۱۹۹۷، ۸/۳ و قرافی، ۱۹۹۴، ۲۱۶/۱). دلیل این حکم نیز حدیثی است که ام سلمه از پیامبر (ص) روایت می کند که فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ كُلِّ مُسَكَّرٍ وَ مُقْتَرٍ» (ابوداود، ۱۹۹۸، ۳۷۰/۳). «پیامبر (ص) از هر ماده مست کننده و سست کننده و بی حال کننده ای نهی فرمود». اما از لحاظ طهارت و نجاست مواد مخدر، فقها بر دو قول باهم اختلاف نظر دارند:

۱- برخی از حنابله مواد مخدر را نجس العین می دانند و آن را بر مشروبات و ادرار قیاس می کنند (مرداوی، بی تا، ۱۷۷/۱۱).

۲- جمهور فقهای حنفیه، مالکیه و شافعیه، مواد مخدر را پاک می دانند و بر این اساس به طهارت و پاک بودن آن حکم می کنند (شربینی، ۱۹۹۴، ۱۸۷/۴، قرافی، ۱۹۹۴، ۱۱۶/۴، شوکانی، ۱۴۰۵، ۳۱/۱، قلیوبی، ۱۹۹۵، ۲۰۴/۴). این گروه بر این باورند که موادی از قبیل: کوکائین، مورفین، حشیش و خشخاش که از گیاهان استخراج می شوند؛ چون اصل آنها از گیاه می باشد و گیاهان نیز پاک هستند، بنابراین، این مواد نیز پاک می باشند. همچنین بر این باورند دلیلی بر نجاست مواد مخدر یافت نمی شود. در ضمن پیش تر بیان کردیم که تحریم یک شیء به معنای نجاست آن نمی باشد. چون اصل در اشیاء بر مباح بودن و نیز طهارت آنها می باشد؛ مواد مخدر نیز بر اساس این قاعده پاک می باشند. و رأی راجح نیز، رأی این گروه می باشد.

دیدگاه فقها درباره مداوا و معالجه با مواد مخدر

فقهای مذاهب اهل سنت، استعمال مواد مخدر در درمان بیماری ها در حالت ضرورت را جایز می دانند. به عنوان مثال: امام نووی می گوید: استعمال گیاهانی که مست کننده هستند، اما با مصرف آنها، سرخوشی زیاد به انسان دست ندهد، خوردن آن حرام است اما استعمال آن به عنوان دارو، اگر در حالت ضروری باشد جایز است هر چند باعث مستی و سرخوشی نیز شود (نووی، ۱۹۹۷، ۳۷/۹ و نووی، ۱۹۹۱، ۲۸۲/۳). ابن رجب حنبلی نیز می گوید: هر آنچه عقل را زایل کند و باعث مستی شود و در آن لذت و نشاطی نباشد مانند «بنگ»، اگر به خاطر مداوای بیماری و جهت ضرورت درمان باشد، جایز است در غیر این صورت استعمال آن حرام است (ابن رجب حنبلی، ۲۰۰۱، ۴۶۴/۲ و ۱۲۳۳/۳). بنابراین با توجه به اینکه مواد مخدر در اصل از گیاهان تولید می شوند و اصل گیاهان نیز پاک است و نیز با توجه به کاربردهای وسیع این مواد در پزشکی و ضرورت اجتناب ناپذیر استفاده از آن در مداوای بیماری ها و تولید داروها، قول به استعمال مواد مخدر و جایز بودن مداوا کردن با این مواد راجح می باشد.

مداوا و معالجه با ابریشم

فقها متفقاند که پوشیدن و استفاده از لباس ابریشم برای زنان مباح، و برای مردها به دلیل نهی پیامبر(ص) حرام است (سرخسی، ۱۹۹۳، ۲۸۳/۳۰، کاسانی، ۱۹۸۲، ۱۳۲/۵، ابن مازة، ۲۰۰۴، ۳۴۰/۵، ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۳۵۱/۶، ماوردی، ۱۹۹۹، ۴۹۵/۲، نووی، ۱۹۹۷، ۴۴۲/۴، نووی، ۱۹۹۱، ۶۶/۲، بهوتی ۲۰۰۴، ۲۸۱/۱). «أَجَلَّ الذَّهَبُ وَ الْحَرِيرُ لِأَنَّهُ أُمَّتِي وَ حُرْمٌ عَلَى ذُكُورِهَا» (نسائی، ۱۹۹۱، ۳۵۸/۸). و نیز فرمود: «مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱۵۰/۷). پس استفاده از ابریشم برای مردها حرام است. اما استعمال آن به خاطر مداوا و معالجه بیماری‌ها جایز است. دلیل این امر نیز حدیث پیامبر(ص) است که نسائی آن را روایت می‌کند که پیامبر(ص) به عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام اجازه داد بخاطر دفع خارش از بدن خویش از لباس ابریشم استفاده نمایند (بخاری، ۱۹۸۷، ۴۲/۴). حال اگر پزشک جهت مداوای بیماری‌ها و حساسیت‌های دیگر بدن انسان استفاده از ابریشم را توصیه نماید، استعمال آن برای مردها جایز می‌شود.

دیدگاه فقها درباره مداوا با ابریشم

فقها درباره مداوای بیماری‌ها به وسیله ابریشم دو دیدگاه دارند:

۱- ابوحنیفه، شافعی، احمد بن حنبل در یک روایت و نیز برخی از فقهای مذهب مالکی، استعمال ابریشم را به طور عام حتی برای مداوای بیماری‌ها نیز، حرام می‌دانند (ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۳۵۴/۶، نووی، ۱۹۹۷، ۳۸۱/۴، ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۳۴۲/۱ و ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۱۶/۸)، و به دلایل زیر استناد می‌نمایند:

الف) پیامبر(ص) می‌فرماید: «أَجَلَّ الذَّهَبُ وَ الْحَرِيرُ لِأَنَّهُ أُمَّتِي وَ حُرْمٌ عَلَى ذُكُورِهَا».

ب) همچنین می‌فرماید: «مَنْ لَبَسَ الْحَرِيرَ فِي الدُّنْيَا لَمْ يَلْبَسْهُ فِي الْآخِرَةِ» (بخاری، ۱۹۸۷، ۱۵۰/۷). «هرکس در دنیا ابریشم بپوشد، در آخرت آن را نخواهد پوشید».

این احادیث به طور مطلق و کلی استفاده از ابریشم را حرام نموده است، اما پیامبر(ص) در موارد خاص دیگری منع عمومی استعمال ابریشم را تخصیص داده و استفاده از آن را مباح دانسته است که در ادله گروه دوم خواهد آمد.

۲- فقهای مذاهب شافعی و حنبله، امام مالک و پیروان مذهب ظاهریه، استعمال ابریشم را جهت مداوای بیماری‌ها، جایز می‌دانند (نووی، ۱۹۹۷، ۴۳۹/۴، شربینی، ۱۹۹۴، ۴۰۰/۱، ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۰۶/۱، ابن مفلح، ۱۴۱۸، ۳۳۶/۱). این گروه به دلایل زیر استناد می‌نمایند:

الف) «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ وَ لِلزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ فِي قُمْصِ الْحَرِيرِ فِي السَّفَرِ مِنْ حِكْمَةٍ كَانَتْ بِهِمَا» (بخاری، ۱۹۸۷، ۶۲/۱۰). «پیامبر(ص) به عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام به خاطر خارش که در بدن داشتند، و در سفر بودند اجازه داد تا لباس ابریشم بپوشند».

۲- ام سلمه می‌گوید: «كَانَ لِلنَّبِيِّ (ص) جُبَّةٌ مِنْ طِيَالِسَةٍ لَبِئْتَهَا دِيْبَاجٌ كَسْرَوَانِيٌّ» (نسائی، ۱۹۹۱، ۴۱۰/۸). «پیامبر(ص) نوعی لباس غیر عربها را بر تن می‌کرد که تار و پود آن از ابریشم بافته شده بود». این احادیث بر جایز بودن پوشیدن ابریشم جهت مداوای بیماری‌ها دلالت دارد.

با دقت در آرای موافقان و مخالفان استفاده از ابریشم در درمان بیماری‌ها، و با توجه به صراحت و قوت احادیث دال بر جواز استعمال ابریشم توسط صحابه با وجود اجازه پیامبر(ص)، به این نتیجه می‌رسیم که رأی راجح، همان رأی موافقان استفاده از ابریشم در درمان بیماری‌هاست.

کنفرانس ملی رویکردها نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

نماینده شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

مداوا و معالجه با طلا

لازم به ذکر است که از قدیم الایام، طلا در کاشتن دندان های مصنوعی کاربرد دارد و آن هم بدین خاطر است که طلا فلزی محکم است و در برابر عفونت ها مقاوم می باشد.

حکم پوشیدن طلا

فقهای مذاهب اهل سنت بر مباح بودن پوشیدن طلا برای زنان و تحریم آن برای مردها اتفاق نظر دارند. دلیل این امر نیز این حدیث شریف می باشد: «أَجَلَّ الذَّهَبُ وَ الْحَرِيرُ لِأَنَاثِ أُمَّتِي وَ حُرْمَ عَلَي ذُكُورِهَا».

دیدگاه فقها درباره مداوا با طلا

فقها درباره حکم استفاده از طلا در معالجه و زیبایی دندان، گوش و سایر اعضای بدن به نحوی که طلا در معالجه آن کاربرد داشته باشد، باهم اختلاف نظر دارند که در زیر به بیان دیدگاه های آنان می پردازیم:

۱- ابوحنیفه و ابویوسف در یک روایت استعمال طلا در معالجه و درمان اعضای بدن انسان را جایز نمی دانند (کاسانی، ۱۹۸۲، ۱۳۲/۵ و ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۱۲/۸). و استناد می کنند به:

الف) پیامبر (ص) می فرماید: «أَجَلَّ الذَّهَبُ وَ الْحَرِيرُ لِأَنَاثِ أُمَّتِي وَ حُرْمَ عَلَي ذُكُورِهَا». در این حدیث پیامبر (ص) صراحتاً استعمال طلا را برای مردها به صورت کلی حرام نموده است.

ب) آنان معتقدند در حدیث عرفجه، استعمال طلا برای معالجه بینی می باشد و ما در اینجا درباره حکم استفاده از طلا جهت معالجه و درمان دندان و دیگر اعضای بدن سخن می گوئیم و نمی توان چنین قیاسی انجام داد. و ممکن است چنین رخصتی برای استفاده از طلا جهت معالجه بینی، از سوی پیامبر (ص) به عرفجه، خاص وی بوده باشد و نتوان آن را تعمیم داد، آن چنان که پیامبر (ص) به عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام درباره پوشیدن ابریشم چنین رخصتی داد (کاسانی، ۱۹۸۲، ۱۳۲/۵ و ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۱۲/۸).

۲- فقهای مذاهب مالکیه، شافعیه، حنابله و نیز محمد بن حسن شیبانی از حنفیه و ابویوسف در یک قول، استعمال آن را جهت درمان جایز می دانند (ابن نجیم، ۲۰۰۳، ۲۱۲/۸، کاسانی، ۱۹۸۲، ۵۱۹۸۲، ۱۳۲/۵، ابن عابدین، ۱۴۲۱، ۳۶۲/۶، نووی، ۱۹۹۷، ۳۱۵/۱، شربینی، ۱۹۹۴، ۳۹۱/۱؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۳۲۵/۲)، و استناد می نمایند به:

الف) عرفجه بن اسعد روایت می کند که: «أَنَّهُ أُصِيبَ أَنْفُهُ يَوْمَ الْكَلَابِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَاتَّخَذَ أَنْفًا مِنْ وَرَقٍ، فَأَتْتَنَ عَلَيْهِ فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ (ص) أَنْ يَتَّخِذَ أَنْفًا مِنْ ذَهَبٍ» (ترمذی، ۱۹۶۶، ۲۹۲/۳، نسائی، ۱۹۹۱، ۳۶۳/۸). «عرفجه بن اسعد در محلی به نام «یوم الْكَلَابِ»^۱ بینی اش آسیب دید سپس بینی اش را به وسیله نقره درمان کرد اما پس از مدتی دچار عفونت شد، پیامبر (ص) به او امر نمود تا از طلا جهت مداوای بینی اش استفاده نماید. این حدیث شریف بر مباح بودن استعمال طلا برای مداوا و معالجه بیماری ها از جمله برطرف نمودن بدشکلی و بدریختی چهره انسان دلالت دارد. سایر موارد از جمله استفاده از طلا در کاشت دندان مصنوعی و معالجه گوش به وسیله طلا و در اعضای بدن بر آن قیاس می شود (نووی، ۱۹۹۷، ۳۸/۶ و ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۳۲۵/۲). البته این در صورتی است که جایگزین مباحی غیر از طلا برای آن امر موجود نباشد.

۲- بسیاری از تابعین از جمله حسن بصری، زهری و نخعی دندانهایشان را به وسیله طلا معالجه و درمان نموده اند (ابن حبان، ۱۹۹۳، ۲۷۶/۱۲، ترمذی، ۱۹۶۶، ۲۹۳/۳). همچنین احمد بن حنبل محکم نمودن دندانها به وسیله طلا جهت درمان و حفاظت

۱- نام مکان آبی است. کشمیری، ۲۰۰۴، ۲۶۴/۳.

کنفرانس ملی رویکردها و نوین علوم انسان در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

از آنها را در صورت ضرورت، جایز می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۰۵، ۴۶/۳). بنابراین با توجه به کاربرد فراوان طلا در کاشت دندان و درمان گوش که حدیث عرفجه نیز آن را تأیید می‌کند، و نیز با توجه به اینکه کاشت دندان مصنوعی به وسیله طلا و غیر آن که به وسیله طلا انجام می‌گیرد، امری ضروری است. بنابراین استعمال طلا جهت معالجه و درمان اعضای بدن جایز و مباح است. پس رأی راجح، همان رأی جمهور فقهاست که قائل به جواز این امر هستند.

نتیجه گیری:

بر اساس آنچه گذشت می‌توان گفت اسلام، سلامت روح و جسم انسان را تضمین می‌کند و این لطف الهی در بسیاری از تعالیم و احکام آن مشهود است. اصل در مداوا کردن اباحه است و گاهی به دلیل وجود اضطرار این حکم تغییر می‌یابد. فقها بر عدم مصرف مواد حرام و نجس در حال اختیار باهم اتفاق نظر دارند، همان گونه که در مصرف آن به هنگام ضرورت نیز اتفاق نظر دارند. یقین داشتن به شفا بخش بودن مواد حرام و نجس هنگام مداوا نمودن با آنها، شرط استفاده از این مواد نیست؛ بلکه ظن غالب در این باره کافیت است.

فقها درباره حکم مداوا نمودن با مشروبات اختلاف نظر دارند و جمهور فقها آن را حرام می‌دانند که رأی آنها راجح و صحیح است.

مصرف مواد مخدر حرام است و استعمال آنها جز برای مداوا نمودن بیماری خاصی که پزشک متخصص و مورد اعتماد، مصرف معینی از آن را تجویز نموده باشد، جایز نیست.

استحاله از لحاظ حلال نمودن و طهارت بر مواد نجس و حرام تأثیر می‌گذارد به طوری که مواد حرام و نجس را به موادی مباح و پاک تبدیل می‌کند؛ البته به شرطی که استحاله به صورت کامل انجام گیرد. در صورت وجود انسولینی که از بدن حیوانات حلال گوشت تهیه شده‌اند، استعمال انسولین تهیه شده از بدن خوک حرام است. مداوا کردن به وسیله ابریشم، طلا و نقره برای مردها، در صورت ضرورت جایز است.

فهرست منابع:

ابن تیمیه، تقی الدین ابوالعباس بن عبدالحلیم حرانی. (۱۹۸۷). (الفتاوی الکبری). بیروت: دار الکتب العلمیه.
ابن حاج، محمد بن محمد عبدری فاسی. (۲۰۰۷). (المدخل). بیروت: دار التذات العربی.
ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن مغبله. (۱۹۹۳). (صحیح ابن حبان). بیروت: دار الرساله.
ابن حجر هیتمی، ابوالعباس احمد بن محمد. (۲۰۰۰). (الفتاوی الحدیثیه). دمشق: دار الفکر.
ابن حزم، علی بن احمد بن سعید. (۲۰۰۳). (المحلی بالآثار). بیروت: دار الفکر.
ابن حنبل، ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد شیبانی. (۱۹۹۹). (مسند احمد بن حنبل). بیروت: موسسه الرساله.

ابن رجب حنبلی، زین الدین عبدالرحمان بن احمد. (۲۰۰۱). (جامع العلوم و الحکم فی شرح خمسين حدیثاً من جوامع الكلم). بیروت: موسسه الرساله.

ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد. (۱۴۰۵). (المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل الشیبانی). بیروت: دار الفکر.

ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر. (۱۹۷۵). (اغاثة اللهفان من مصادر الشیطان). بیروت: دار المعرفة.

ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر. (۲۰۰۰). (زاد المعاد فی هدی خیر العباد). بیروت: موسسه الرساله.

ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز. (۱۴۲۱). (الدر المختار و حاشیه رد المحتار). بیروت: دار الفکر.

کشف غزلی رویکرد نوین علوم انسانی در قرن ۲۱

نمایه شده در ISC

۱۳۹۶ آذر

- ابن عثیمین، محمد بن صالح. (۱۴۱۳). (مجموع فتاوی و رسائل العثیمین). ریاض: دار الوطن.
- ابن عربی، ابوبکر محمد بن عبدالله اشبیلی مالکی. (۲۰۰۳). (احکام القرآن). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۹۹۴). (سنن ابن ماجه). بیروت: دار الفکر.
- ابن مازه بخاری، ابوالمعالی برهان الدین محمود بن احمد. (۲۰۰۴). (المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی فقه الامام ابی حنیفه رضی الله عنه). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). (لسان العرب). بیروت: دار صادر.
- ابن مفلح، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۸). (المبدع فی شرح المقنع). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم بن محمد. (۲۰۰۳). (البحر الرائق شرح کنز الدقائق). بیروت: دار الکتب الاسلامیة.
- ابن همام، کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی. (۱۹۹۸). (فتح القدر). دمشق: دار الفکر.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی ازدی. (۱۹۹۸). (سنن ابوداود). بیروت: المكتبة العصرية.
- بخاری، محمد بن إسماعیل أبو عبدالله. (۱۹۸۷). صحیح بخاری. بیروت: ابن کثیر.
- بهوتی حنبلی، منصور بن یونس. (۲۰۰۴). (کشاف القناع عن متن الاقناع). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بیضاوی، ناصر الدین. (۱۹۹۸). (انوار التنزیل و اسرار التاویل) بیروت: مكتبة الحقيقة.
- بیهقی، ابوبکر. (۱۹۹۴). (السنن الكبرى للبيهقي). مکه مکرمه: مكتبة دارالباز.
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سؤرة. (۱۹۶۶). (سنن ترمذی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حطاب رعینی، محمد بن محمد بن عبدالرحمان طرابلسی. (۱۹۹۲). (مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل). بیروت: دار الفکر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۹۹۰). (المستدرک علی الصحیحین). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- جمعی از علما. (۱۴۲۲). (مجلة مجمع الفقه الإسلامی). جدّه: سازمان کنفرانس اسلامی.
- حصفکی، علاء الدین. (۱۳۸۶). (الدر المختار شرح تنویر الابصار فی فقه مذهب الامام ابی حنیفه النعمان). بیروت: دار الفکر.
- خطیب شربینی، شمس الدین محمد بن احمد. (۱۹۹۴). (مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج). بیروت: دار الکتب العلمیة..
- دسوقی، شمس الدین محمد عرفة. (۲۰۰۰). (حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير). بیروت: دار الفکر.
- دمیاطی، ابوبکر (البکری) عثمان بن محمد شطا. (۱۹۹۷). (إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین). بیروت: دار الفکر.
- دویش، احمد بن عبدالرزاق. (۲۰۰۵). (فتاوی اللجنة الدائمة). ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمیة و الافتاء.
- زحیلی، وهبه. (بی تا) الفقه الاسلامی و ادلته. سوریه: دار الفکر..
- زیدان، عبدالکریم. (۱۹۹۳). (المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم فی الشریعة الاسلامیة). بیروت: مؤسسه الرساله.
- سرخسی، شمس الانمہ محمد بن احمد بن ابی سهل. (۱۹۹۳). (المبسوط). بیروت: دار المعرفه.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۰۵). (السیل الجرار المتدفق علی حدائق الأزهار). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر آملی. (۲۰۰۰). (جامع البیان فی تأویل القرآن). بیروت: مؤسسه الرساله.
- عینی، بدر الدین محمود بن احمد غیتابی. (۲۰۰۶). (عمدة القاری شرح صحیح البخاری). بیروت: دار التراث العربی.
- غرناطی، محمد بن یوسف بن أبی القاسم بن یوسف العبدری. (۱۹۹۴). (التاج و الاکلیل). بیروت: دار الکتب العلمیة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۲۰۰۵). (القاموس المحيط). بیروت: مؤسسه الرساله.

کشف غزلی رویکردہا نویسن علوم انسانہ در قرن ۲۱

نمایہ شدہ در ISC

۱۶ آذر ۱۳۹۶

- قرافی، شہاب الدین، احمد بن ادريس صنهاجی. (۱۹۹۴). (الذخیره). بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- قرطبی، احمد بن ابی بکر. (۱۹۸۵). (الجامع لاحکام القرآن). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قلیوبی، شہاب الدین احمد سلامہ. (۱۹۹۵). (حاشیہ القلیوبی علی شرح جلال الدین المحلی علی منهاج الطالبین). بیروت: دار الفکر.
- کاسانی، ابوبکر مسعود بن احمد. (۱۹۸۲). (بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع). بیروت: دار الکتب العربی.
- کشمیری، محمد انور شاہ بن معظم شاہ. (۲۰۰۴). (العرف الشدی شرح سنن الترمذی). بیروت: دار التراث العربی.
- ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد. (۱۹۹۹). (الحاوی الکبیر فی فقہ مذهب الامام الشافعی). بیروت: دار الکتب العربیہ.
- مختار، احمد. (۲۰۰۸). (معجم اللغۃ العربیۃ النعاصرۃ). بیروت: عالم الکتب.
- مرداوی، علاء الدین علی بن سلیمان دمشقی. (بی تا). (الانصاف فی معرفۃ الراجح من الخلاف). بی نا، بی جا.
- مسلم، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب بن علی خراسانی. (۱۹۹۱). (سنن الکبری). بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- نووی، ابو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۹۹۱). (روضۃ الطالبین). بیروت: دار الکتب العلمیہ.
- نووی، ابو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۹۹۷). (المجموع شرح المہذب). بیروت: دار الفکر.

Study sentence of Treatment and treatment with forbidden substances from the point of the jurisprudents of Sunni religions

Abstract

Islam has given special attention to the health and well-being of the body and has provided suitable solutions for human health. The things that Islam has forbidden them are, in fact, to prevent illness. Despite the illness, Islam has legitimized the treatment and encouragement to do so. Even some privileges that are beneficial for treatment are also encouraged. Sometimes the treatment and treatment is carried out with secrecy and through neglect. Like liquor, alcohol, pig and blood . If these abominations are changed or the so-called jurists turn up, In this case it is permissible to use them , Because they are converted to a new material that does not have a nonsense description. Sometimes the treatment and treatment is done with clean substances that their use is forbidden. Like drugs, silk, gold and silver for men. It is permissible to treat this substance, if necessary, and the absence of an alternative medicine.

Key word: forbidden substances, illness, Treatment, necessity